

نماز

<"xml encoding="UTF-8?">



مقدمه (نماز چیست؟)

این ایستادن و خم شدن، این نشستن و به خاک افتادن، وبا هر یک کلماتی گفتن، چه معنی دارد؟

نیایش و پرستش

در آن لحظه که آدمی به کمال و شکوه بی نهایت و شکوه آفریدگار جهان می اندیشد، سراپا شیفته ی آن می شود، دل و جانش یه خضوع و خشوع و فروتنی می گراید با آهنگ فطرت در برابر آن همه کمال و عظمت سر تعظیم فرود می آورد، (رکوع)،

سر به زمین می ساید، (سجده)،

و زبان به ستایش می گشاید، (حمد و تسبیح).

راز و نیاز

در آن لحظه انسان نیازمند کمک یک نیروی برتر از خود می گردد دست نیاز به سوی خداوند دانا و توانا می برد و همه ی راز و نیازهای خود را با او در میان می گذارد ، (دعا).

عبادت

آن نیایش و پرستش و این راز و نیاز و کمک خواهی در زبان قرآن «عبادت» نامیده می شود.

قرآن عبادت را مخصوص خدای یکتا می شمرد و پرستش هر کس و هرچیز دیگر جز خدا را حرام و گناهی بس بزرگ می داند:

«فرمان خدا بر آن رفته که جز او را نپرستید...» اسراء، 23

نماز

نماز مراسم مخصوص برای پرستش خدا و راز و نیاز با اوست که در آن جنبه های ارزنده و آموزنده ی خاصی در

نظر گرفته شده و به همین جهت شکل مخصوص به خود گرفته است.

نماز سرود توحید و یکتا پرستی و سرود فضیلت و پاکی است که باید فکر و روح ما را در برابر عوامل شرک زا و آلوده کننده ای که در زندگی روزمره با آنها سر و کار داریم پاک و یکتا پرست نگهدارد. منظور از آلوده کننده ای که در زندگی سرو کار داریم : همان آلودگی روح است که این آلودگی روح را تیره می کند و ما را از راه راست زندگی راه پاکی و فضیلت و تقوا ؛ منحرف می سازد و به راه فساد می کشاند ، از یاد خدا غافل می کند و به دام شیطان و وسوسه های شیطانی می افکند. پس همان طور که ما روزانه لباس، تن و ... خود را می شوئیم و پاکیزه می گردانیم باید روح خود را نیز پاک و پاکیزه گردانیم ، لحظاتی به یاد معبود خود باشیم ، دست نیایش به او دراز کنیم و روح آلوده ی خود را در چشمه ی صاف و زلال الهی شستشو دهیم . «نماز بخوانیم».

شستشوی دل و جان

پس همان گونه که بدن و لباس خود را پاکیزه می کنیم باید دل و جان خود را نیز پاک گردانیم . از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله) نقل شده که در گفتگویی کوتاه با یاران خود چنین فرمود: فرض کنید در برابر خانه ی یکی از شما نهری روان باشد و هر روز در آن پنج بار شستشو کند. آیا به تن او هیچ آلودگی می ماند؟

نه ، این شستشو به تن او هیچ آلودگی می گذارد.

نماز های پنجگانه هم همین اثر را دارد با پنج نماز در روز خدا لغزش ها را از آدمی می زداید و او را پاکیزه می کند.

نماز های روزانه

1. صبح : پس از سپیده ی صبح

2. ظهر : نیمروز

3. عصر : تقریباً 2 تا 3 ساعت بعدازظهر

4. مغرب : پس از غروب آفتاب

5. عشاء :شامگاه که هوا تاریک می شود.

اینها از اوقات اصلی نمازند و چه بهتر که نماز در همین اوقات خوانده شود.

نماز صبح : از سپیده ی صبح تا طلوع آفتاب

نماز ظهر : از نیمروز تا غروب

نماز عصر : پس از نماز ظهر تا غروب آفتاب

نماز مغرب : از مغرب تا نیمه ی شب

نماز عشاء : پس از مغرب تا نیمه ی شب.

و فرا رسیدن وقت هر نماز با اذان اعلام می شود وبا آهنگ اذان ، نمازگزار خود را برای نماز آماده می کند و به محل نماز می آید چه به صورت جمعی و چه به صورت فرادا. و بعد وضومی گیریم این شستشو باید با نیتی پاک و برای خدا باشد.بعد به سوی خانه ی خدا (کعبه) ایستاده و با دلی پاک نماز می خوانیم تا خداوند ما را از بهشتیان قرار دهد.

چرا نماز می خوانیم ؟

نماز از ارکان عبادات حق است ، بنابراین اول باید بدانیم چرا خداوند را عبادت می کنیم تا آنگاه فلسفه نماز نیز روشن گردد. یکی از پایدارترین و قدیمی ترین تجلیات روح آدمی و یکی از اصیل ترین ابعاد وجود آدمی ، حس نیایش و پرستش است ، هر زمان و مکانی که بشر وجود داشته است ، نیایش و پرستش نیز وجود داشته است . پیامبران پرستش را نیاوردند و ابتکار نکردند ، بلکه نوع پرستش را یعنی نوع آداب و اعمالی که باید پرستش به آن

شکل صورت گیرد به بشر آموختند . احساس نیایش ، احساس و نیاز غریزی است به کمالی برتر که در او نقصی نیست و جمالی که در آن زشتی وجود ندارد ، انسان در حال پرستش از وجود محدود خویش می خواهد پرواز کند و به حقیقتی پیوند یابد که در آنجا نقص و کاستی و فنا و محدودیت وجود ندارد و به قول -اینشتاین - دانشمند بزرگ عصر ما : در این حال فرد به کوچکی آمال و اهداف بشری پی می برد و عظمت و جلالی را که در ماورای امور و پدیده ها در طبیعت و افکار تظاهر می نماید حس می کند . لذا پرستش جزء غرائز ذاتی و فطری بشر است ، یعنی بشر فطرتاً گرایش دارد که یک چیز را تقدیس و تنزیه کند و خویشتن را به او نزدیک کند پیام قرآن این است که ای انسان ! رب خود ، پروردگار خود ، صاحب اختیار خودت را بپرست . الذی خلقکم و الذین من قبلکم : کسی که شما و گذشتگان شما را آفریده است . پرستش نوعی رابطه خاضعانه و ستایشگرانه و سپاسگرانه است که انسان با خدای خود برقرار می کند . عبادت و پرستش علاوه بر اینکه نیاز فطری بشر است ، راز آفرینش انسان نیز عبادت است و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون (همانا جن و انس را نیافریدیم مگر برای اینکه مرا پرستش کنند) عبادت یک پیمان الهی است که انسان در روز ازل با خدای خود پیمان عبودیت بسته است الم اعهدالیکم یا بنی ان لاتعبد و الشیطان انه لکم عدو مبین ، و ان اعبدونی هذا صراط مستقیم . (ای بنی آدم ، آیا من با شما پیمان نبستم که شیطان را پرستش نکنید و مرا پرستش کنید که راه راست است و شما را به سعادت می رساند .) عبادت ماموریت انسان است .

وما امروا الا ليعبدوا الله مخلصين له الدين؟ (آیا مامور نشدید که فقط خدا را خالصانه پرستش کنید) اکنون که روشن شد عبادت و پرستش از غرایز ذاتی و از نیازهای فطری انسان است جایگاه نماز در پرستش و عبودیت روشن

می شود : نماز عالی ترین تجلی پرستش و عبادت است ، زیرا پرستش یا قولی است یا عملی . و نماز هر دو را در بر دارد چون اذکار نماز مانند قرائت حمد و سوره ، ذکر رکوع و سجود و تشهد عبادت قولی است و قیام و رکوع و سجود عبادت عملی است نماز رفیع ترین و با اهمیت ترین جایگاه را در عبادات دارد و در راس آنها می باشد نماز منبع تغذیه روح انسان وامداد الهی است انسان با نماز می تواند قوت بگیرد و انرژی در جهت نیل به کمالات حاصل کند . واستعینوا و بالصبر الصلاه.... (از نماز استمداد کنید ...) کسی که می خواهد یک مسلمان واقعی و مجاهد نیرومند باشد باید نماز خوان خالص و مخلص باشد علی (علیه السلام) در آخرین وصایایش که در واپسین لحظات عمر آن حضرت بود فرمود: الله الله فی الصلوه فانها عمود دینکم : (خدا را خدا را ، درباره نماز که نماز استوانه خیمه دین شماست امام صادق(علیه السلام) در آخرین نفس های عمر با برکت خویش فرمودند : لن تنال شفاعتنا مستخفا بالصلاه (هرگز شفاعت ما به مردمی که نماز را سبک بشمارند، خواهد رسید) . نماز بنیان اعتقادی انسان را به مبداء و معاد تقویت می کند . از حضرت علی (علیه السلام) سؤال شد : چرا ما دوبار سجده می کنیم . امیر مومنان (علیه السلام) این آیه را خواند : منها خلقناکم و فیها نعیدکم و منها نخرجکم تاره اخرى . یعنی سجده یاد آور قیامت و صحنه محشر و مبعوث شدن انسان است .

شخصی از امام صادق (علیه السلام) پرسید : برترین چیزهایی که بندگان با آن به پروردگارشان تقرب می جویند و نزدیک می شوند چیست ، حضرت فرمودند : **بعد از معرفت و شناخت (خداوند متعال) من بهتر از نماز نمی دانم** . و همین اهمیت نماز است که نسبت به کوتاهی به آن شدیداً نهی شده است از رسول اکرم (صلی الله علیه

وآله) روایت شده که فرمود: مبادا نماز خود را ضایع سازید ، زیرا هرکس که نماز خود را ضایع نماید خدا او را با قارون و فرعون و هامان محشور نماید ، و برخدا حق است که او را با منافقان در آتش افکند ، پس وای برکسی که بر نماز خود مواظبت و نگهبانی ننماید .

خداوند به عبادت ما و هیچ موجود دیگر نیاز ندارد ، زیرا « فان الله غنی عن العالمین » (1) خداوند از تمام جهانیان بی نیاز است . این بندگان هستند که به خداوند نیاز دارند . «یا ایها الناس انتم الفقراء الى الله واللّٰه هو الغنی الحمید» (2) ای انسان ها شما نیازمند به خداوند هستید و خداوند بی نیاز و ستوده است. بنابراین عبودیت و پرستش یکی از نیازهای انسان است. تمامی انسان ها از ابتدا تا کنون به شکلی پرستش داشته اند. روح انسان نیاز به عبادت و پرستش دارد. پرستش و ستایش علاوه بر پر کردن خلأ تنهائی وجود انسان ، و بر آورده شدن نیاز انسان و بجا آوردن مراتب سپاس و شکر گزاری ، موجب تکامل انسانی و رسیدن به مقام قرب الهی می شود و هیچ چیزی نمی تواند جای آن را پر کند.

دانشمندان گفته اند: برای رسیدن به عرفان الهی و شناخت خود و خدا مراحل باید طی شود. مرحله اول، شریعت است. برای پیمودن این مرحله باید به سراغ عبادت پروردگار رفت و با استعانت و کمک از عبادت وارد مرحله دوم یعنی طریقت شد، آن گاه از طریقت عبور کرده و به حقیقت پیوست که پیوستن قطره به دریا است. اکنون می خواهیم این شبهه را پاسخ بگوییم که آیا: چیزی برتر و موثرتر از نماز در این مسیر وجود دارد؟ یا بهترین شکل و بهترین وسیله و نردبان برای رسیدن به «حقیقت» نماز است؟

هر کدام از مکتب ها و آیین ها آشکالی برای عبادت دارند اما همه به دنبال پرستش و عبادت اند، حتی موجودات دیگر نیز به عبادت و پرستش مشغولند. قرآن می فرماید: «كُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلَوَتَهُ وَ تَسْبِيحَهُ» (3) تمامی موجودات نماز و تسبیح خدا را می دانند». در جای دیگر می فرماید: «إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يَسْبِّحُ بِحَمْدِهِ وَ لَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ» (4) هر موجودی با حمد، خدا را تسبیح می گوید، لیکن شما تسبیح آنان را نمی فهمید».

از منابع و مآخذ اسلامی به دست می آید که برای رسیدن به حق و شاداب کردن روح عرفانی انسان، هیچ راهی بهتر از نماز یافت نمی شود. برای روح انسان شیفته هیچ غذایی سازگارتر و سرشارتر از نماز وجود ندارد، زیرا چه کسی بهتر از خداوند (که برای رسیدن به هر هدفی، ترکیب راه خاصی را مشخص فرموده است) می تواند مَرکب و معجونی برای رشد و ارتقای انسان ها پدید آورد؟

با مروری بر آیات و روایات در می یابیم که این معجون شفا بخش نماز است که اسلام آن را وسیله تقرب به خدا می داند (الصلوة قربان کل تقی). (5) نماز موجب تقرب هر انسان پرهیزکاری است.

هشام بن حکم از امام صادق (علیه السلام) پرسید: چرا نماز واجب شد، در حالی که هم وقت می گیرد و هم انسان را به زحمت می اندازد؟ امام فرمود: «پیامبرانی آمدند و مردم را به آیین خود دعوت نمودند. عده ای هم دین آنان را پذیرفتند، اما با مرگ آن پیامبران، نام و دین و یاد آن ها از میان رفت. خداوند اراده فرمود که اسلام و نام پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) زنده بماند و این از طریق نماز امکان پذیر است» (6) یعنی علاوه بر آن که

نماز عبادت پروردگار است، موجب طراوت مکتب و احیای دین هم هست.

بله همواره به یاد خداوند بودن بسیار عالی و ارزشمند است، اما آیا چنین کسی را سراغ دارید؟

کدام انسان را می‌یابید که با این همه چیزهائی که انسان را در این دنیا به خود مشغول داشته و با این همه

عواملی که موجب غفلت و بی‌خبری می‌شوند، همواره به یاد خدا باشند؟

و آیا نماز چیزی جز برای یادآوری انسان‌ها و بیرون آوردن از غفلت است؟

راستی اگر برای ارتباط با خدا نیازی به نماز نبود، نبایستی پیامبر با آن همه فضائل و کمالات آن قدر نماز بخواند که

پاهایش متورم شود یا امیرالمؤمنین (علیه السلام) و سایر امامان به نماز این همه اهمیت بدهند.

آیا کسی برتر و بیشتر از پیشوایان دینی ما با خداوند رابطه قلبی داشته است؟ آیا اگر بخواهیم کسی را مثال بزنیم

که همواره به یاد خدا بوده است، این شخص جز پیامبر اسلام و امامان معصوم بودند؟

آیا مقامی که امیرمومنان به آن دست یافته بود، به گونه‌ای که فرمود **اگر تمام پرده‌ها کنار رود بر یقین و ایمان**

من افزوده نمی‌شود، کسی برتر از آن دست یافته است؟

پس چگونه چنین انسان‌هایی نه تنها خود را بی‌نیاز از نماز و ارتباط با خدا نمی‌دانستند، بلکه شبانه روز به نماز

می‌ایستادند و نه تنها نمازهای واجب، بلکه حتی نمازهای مستحب داشتند که بنابر نقل روایات گاهی تا

هزار رکعت می‌رسید.

هم چنین نماز رابطه بنده با خداست و طبیعی است که بنده آن را به جا می‌آورد که خواسته خداوند و معبود

اوست و اصولاً هدف اصلی از خلقت انسان بندگی است و نماز بهترین شیوه اظهار بندگی است و اگر قرار باشد که

هر انسانی بر طبق خواسته خود عمل نماید نه آن چیزی که خداوند از او خواسته، این دیگر بندگی خداوند نمی

شود، بلکه بندگی خود و عمل بر طبق خواسته خود است.

مطمئناً این فکر که رابطه قلبی انسان را بی‌نیاز از نماز می‌کند، چیزی جز وسوسه شیطانی برای دور کردن انسان

از خدا نیست. چون خدا راه نماز را برای ایجاد رابطه بنده با او و بیرون آمدن انسان‌ها از غفلت و شستوی جسم و

جان قرار داده قرار داده و فرموده است که «اقم الصلوة لذكری» نماز را برای یاد من برپا دار. (7) پس آیا درک من از

خدا بیشتر است؟!

در فرهنگ اسلامی تعیین کردن و مشخص نمودن شکل عبادت، با شارع مقدس است و کسی نمی‌تواند عبادتی

اختراع کند. اگر کسی وُرد و دعایی را به عنوان عبادت پدید آورد، از مصادیق روشن بدعت و تشریع است که کار

حرامی است، زیرا امور عبادی را همان‌گونه که از طرف شارع مقدس بیان شده است، باید انجام داد، نه کمتر و نه

بیشتر.

آن کس که تشنگی و گرسنگی را در ما آفرید، غذا و آب را نیز خود فراهم آورده است و آن کس که نیاز به عبودیت

و پرستش را در ما قرار داد، هم او پاسخ نماز و دعا راز و نیاز را برایمان مقرر داشته است. قرآن مجید نماز را

مظهر ذکر و ذکر را آرام بخش دل‌ها می‌داند. (8)

آنچه زیبایی و حُسن و خیر است، در نماز سفره‌ای است گسترده که خداوند آن را در پنج نوبت در شبانه روز برای

بندگان باز می‌کند و بر سر این سفره انواع و اقسام غذاهای لذیذ وجود دارد و هر کس مطابق ذوق و سلیقه و

به اندازه توان و مرتبه وجودی و استعداد خود از آن بهره‌مند می‌شود. نماز عبادتی جامع است که می‌تواند تمام

وجود انسان (از جهات بدنی و ظاهری گرفته تا جهات ذهنی و قلبی و باطنی) را در خدمت بندگی و پرستش قرار

دهد. نیت خوب داشتن به تنهایی نمی‌تواند انسان را از انجام عبادت و نماز بی‌نیاز کند.

شکل نماز هم قشنگ است، هم معارف بلند اسلامی در آن وجود دارد، هم تسبیح و تقدیس لفظی است و هم تقدیس عملی می‌باشد. رکوع و سجود و تسبیح و تحمید و دعا و تکبیر و سلام و خلاصه همه زیبایی‌ها در نماز است. با این همه اگر نماز به طور صحیح و کامل با حفظ شرایط و آداب خوانده شود، جلوی بسیاری از مفاسد اجتماعی را می‌گیرد: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَ لَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ» (9) نماز اگر با مقدمات و تعقیبات همراه باشد، انسان را به اوج معنویت می‌رساند. اذان با آن محتوای زیبا دل را می‌نوازد. نماز جماعت مخصوصاً در مساجد بزرگ مانند

مسجد الحرام و مسجد النبی(ص) زیباترین جلوة عبادت و همدلی و یکرنگی و صفا و صمیمیت است. پیامبر(صلی الله علیه و آله) فرمود: «نماز نور چشم من است» (10)

نماز حضرت فاطمه (سلام الله علیها)

روایت شده: حضرت فاطمه علیها السلام دو رکعت نماز می‌خواند که جبرئیل به ایشان تعلیم داده بود آن حضرت در رکعت اول پس از سوره «حمد» صدر مرتبه سوره «قدر» و در رکعت دوم بعد از سوره «حمد» صد مرتبه سوره «توحید» را قرائت می‌کردند، و چون سلام می‌دادند این دعا را می‌خواند:

سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُتَنِيفِ سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْبَازِخِ الْعَظِيمِ سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ سُبْحَانَ مَنْ لَبَسَ الْبَهْجَةَ وَ الْجَمَالَ سُبْحَانَ مَنْ تَرَدَّى بِالنُّورِ وَ الْوَقَارِ سُبْحَانَ مَنْ يَرَى أَثَرَ التَّمَلُّي فِي الصَّفا سُبْحَانَ مَنْ يَرَى وَقَعَ الطَّيْرِ فِي الْهَوَاءِ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هَكْذَا لَا هَكْذَا غَيْرُهُ

پاك و منزّه است آن خدایی که دارای شکوه افراشته و بلند است، پاك و منزّه است خدایی که صاحب شوکت والا و بزرگ است، پاك و منزّه است خدایی که دارنده فرمانروایی پر افتخار دیرینه است، پاك و منزّه است آن که لباس خرمی و زیبایی به بر دارد، پاك و منزّه است آن که در پوششی از نور وقار است، پاك و منزّه است آن که ردّ پای مورچه را بر سنگ سخت می‌بیند، پاك و منزّه است آن که خطّ سیر پرنده را در هوا می‌بیند، پاك و منزّه است آن که او چنین است و جز او چنین نیست.

سید ابن طاووس فرموده: در روایت دیگری وارد شده که پس از این نماز تسبیح مشهور حضرت زهرا علیها السلام را که بعد از هر نماز خوانده می‌شود بخوانند، و پس از آن صد مرتبه صلوات بر محمد و خاندان او فرستند. و شیخ د ر کتاب «مصباح المتجهّدین» فرموده است: نماز حضرت فاطمه علیها السلام دو رکعت است، در رکعت اول سوره «حمد» و صد مرتبه سوره «قدر» و در رکعت دوم سوره «حمد» و صد مرتبه «توحید» خوانده شود، و چون سلام داده شد تسبیح حضرت زهرا علیها السلام را بخوانند، آنگاه دعای «سبحان ذی العزّ الشامخ» را تا آخر قرائت کنند. و شیخ فرموده: کسی که این نماز را بجای آورد، چون از تسبیح فارغ شود زانوها و دستان خود را تا آرنج برهنه نماید و

همه مواضع سجود خود را بدون مانع و حایل به زمین بچسپاند و از خدا حاجت بخواهد، و به هر کیفیتی که دوست دارد دعا کند، و در همان حال سجده بگوید:

يَا مَنْ لَيْسَ غَيْرُهُ رَبُّ يَدْعَى يَا مَنْ لَيْسَ فَوْقَهُ إِلَهٌ يُخْشَى يَا مَنْ لَيْسَ دُونَهُ مَلِكٌ يُتَّقَى يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ وَزِيرٌ يُؤْتَى يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ حَاجِبٌ يُرْشَى يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ بَوَّابٌ يُغْشَى يَا مَنْ لَا يَزْدَادُ عَلَى كَثْرَةِ السُّؤَالِ إِلَّا كَرَمًا وَ جُودًا وَ عَلَى كَثْرَةِ الدُّنُوبِ إِلَّا عَفْوَ وَ صَفْحًا صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْعَلْ بِي كَذَا وَ كَذَا

ای آن که جز او پروردگاری نیست که خوانده شود، ای آن که ورای او معبودی نیست که او پروا شود! ای آن که جز او فرمانروایی نیست که از او پرهیز شود! ای آن که او را وزیری نیست که به او روی آرند! ای آن که او را نگهبانی نیست تا به او رشوه داده شود! ای آنکه او را درباری نیست تا به وسیله او به درگاهش آیند! ای آن که بر اثر بسیاری درخواست، جز کرم و جود، و بر اثر کثرت گناهان جز عفو، و گذشت نیفزاید، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و با من چنین و چنان کن.

و به جای «کذا و کذا» حاجات خویش را از خدا بخواهد. نماز دیگر از حضرت فاطمه علیها السلام: شیخ طوسی و سید ابن طاووس از صفوان روایت کرده‌اند که محمد بن علی حلبی روز جمعه، خدمت امام صادق علیه السلام شرفیاب شد و عرضه داشت: علاقمندم به من عملی بیاموزی که بهترین کارها در روز جمعه باشد حضرت فرمود: من کسی را که برای رسول خدا عزیزتر از حضرت فاطمه باشد سراغ ندارم، و چیزی را برتر از آنچه پیامبر به فاطمه آموخت، نمی‌شناسم، پیامبر به دخترش فرمود: هر که صبح جمعه را دریابد، غسل کند و قدمهایش را بگسترد و چهار رکعت نماز (دو نماز دو رکعتی) بگذارد. در رکعت اول پس از سوره «حمد» پنجاه مرتبه سوره «توحید» و در رکعت دوم، پس از سوره «حمد» پنجاه مرتبه سوره «و العادیات» و در رکعت سوم پس از «حمد» پنجاه مرتبه سوره «اذا زلزلت» و در رکعت چهارم پس از سوره «حمد» پنجاه مرتبه سوره «اذا جاء نصر الله...» که مراد از این سوره سوره مبارکه نصر است یعنی آخرین سوره‌ای که نازل شده است. و چون از نماز فارغ شوند، این دعا را بخوانند:

إِلَهِي وَ سَيِّدِي مَنْ تَهَيَّأَ أَوْ تَعَبَّى أَوْ أَعَدَّ أَوْ اسْتَعَدَّ لِوَفَادَةِ مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رَفْدِهِ وَ فَوَائِدِهِ وَ نَائِلِهِ وَ فَوَاضِلِهِ وَ جَوَائِزِهِ فَإِنَّكَ يَا إِلَهِي كَانَتْ تَهَيُّبَتِي وَ تَعَبُّبَتِي وَ إِعْدَادِي وَ اسْتِعْدَادِي رَجَاءَ فَوَائِدِكَ وَ مَعْرُوفِكَ وَ نَائِلِكَ وَ جَوَائِزِكَ فَلَا تُخَيِّبْنِي مِنْ ذَلِكَ يَا مَنْ

لَا تَخِيْبُ عَلَيْهِ مَسْأَلَةُ السَّائِلِ وَ لَا تَنْقُصُهُ عَطِيَّةُ نَائِلٍ فَإِنِّي لَمْ أَتِكَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ وَ لَا شَفَاعَةَ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِشَفَاعَتِهِ إِلَّا مُحَمَّداً وَ أَهْلَ بَيْتِهِ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ،

ای معبود و سرور من! اگر دیگران به امید رسیدن به عطا و مواهب وجود و بخششها و هدایا آماده و مهیا و مجهز و مستعد ورود بر آفریده‌ای چون خو شده‌اند، پس خدایا! پس خدایا! آمادگی و مجهز بودن و مهیا بودن و استعداد من به امید دستیابی به بهره‌ها و نیکی و عطایا و هدایا تو تنها به سوی توست، پس مرا از این همه ناامید مساز، ای آن که خواهش هیچ نیازمندی از او بی ثمر نماند، و بخشش بخشنده‌ای از او نکاهد! من با کردار شایسته‌ای که پیش فرستاده باشم به پیشگاه تو نیامده‌ام، و با یاری آفریده‌ای که به او امید بسته باشم و با آن به تو تقرب جویم، به درگاهت بار نیافتم جز به امید شفاعت محمد و خاندان او که درود تو بر او و بر ایشان باد،

أَتَيْنُكَ أَرْجُو عَظِيمَ عَفْوِكَ الَّذِي عُدَّتْ بِهِ عَلَى الْخَطَايَا عِنْدَ عُكُوفِهِمْ عَلَى الْمَحَارِمِ فَلَمْ يَمْنَعْكَ طَوْلُ عُكُوفِهِمْ عَلَى الْمَحَارِمِ أَنْ جُدْتَ عَلَيْهِمْ بِالْمَغْفِرَةِ وَ أَنْتَ سَيِّدِي الْعَوَادُ بِالنَّعْمَاءِ وَ أَنَا الْعَوَادُ بِالْخَطَاءِ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ أَنْ تَغْفِرَ لِي ذَنْبِي الْعَظِيمَ فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الْعَظِيمَ إِلَّا الْعَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ

در حالی به نزد تو آمدم که گذشت کریمانهات را امید دارم، گذشتی که به آن بر خطاکاران در حال پافشاری بر گناهان است، پس مداومت آنان بر کارهای حرام تو را از اینکه آمرزشت را بر آنان ارزانی داری باز نداشت، و تو ای سرور من! بسیار بر نعمت بخشی بازگردی و من بر خطا کاری، به حق محمد و خاندان پاکش از تو می‌خواهم، که گناه بزرگام را بیامرزی، زیرا گناه بزرگ را جز آمرزگار بزرگ نیامرزد؛ ای بزرگ! ای بزرگ! ای بزرگ! ای بزرگ! ای بزرگ!

مؤلف گوید: سید ابن طاووس در کتاب «جمال الاسبوع» [زیبایی ایام هفته] برای هر يك از امامان علیهم السّلام نمازهای به همراه دعا ذکر نموده که شایسته است در اینجا بیان شود.

پی نوشت ها:

1. آل عمران (3) آیه 97
2. فاطر (35) آیه 15
3. نور (24) آیه 41.
4. اسراء (17) آیه 44.
5. بحارالانوار، ج 78، ص 203.
6. غلامعلی نعیم آبادی، نماز زیباترین الگویپرستش، ص 35، به نقل از علل الشرایع، ج 2، ص 10.
7. طه (20) آیه 14.
8. رعد (13) آیه 28
9. عنکبوت (29) آیه 45.
10. بحارالانوار، ج 73، ص 141.